

40 حدیث از امام محمد باقر (علیه السلام)

نافرجام و خوش انجام...

**1- نافرجام و خوش انجام**

«قَلْرُبَّ حَرِيصٍ عَلَىٰ أَمْرٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا قَدْ نَالَهُ، فَلَمَّا نَالَهُ كَانَ عَلَيْهِ وَبَالًا وَشَقِيًّا يَبِىءُ وَلِرُبِّ كَارِهِ لَأَمْرٍ مِنْ أُمُورِ الْآخِرَةِ قَدْ نَالَهُ قَسَعِدِيهِ.»

چه بسا حریصی بر امری از امور دنیا دست یافته و چون بدان رسیده باعث نافرجامی و بدبختی او گردیده است، و چه بسا کسی که برای امری از امور آخرت کراهت داشته و بدان رسیده، ولی به وسیله آن سعادتمند گردیده است.

2- بهترین فضیلت و برترین جهاد

«لَا فَضِيلَةَ كَالْجِهَادِ، وَلَا جِهَادَ كَمُجَاهَدَةِ الْهَوَى.»

فضیلتی چون جهاد نیست، و جهادی چون مبارزه با هوای نفس نیست.

3- استقامت بزرگ

«أَوْصِيكَ بِحَمْسٍ: إِنْ ظَلِمْتَ فَلَا تَظْلِمَ وَإِنْ خَانُوكَ فَلَا تَخُنْ، وَإِنْ كَذَّبَتْ فَلَا تَعْصَبُ، وَإِنْ مُدِحَتْ فَلَا تَفْرَحَ وَإِنْ دُمِمَتْ فَلَا تَجْرَعُ.»

تو را به پنج چیز سفارش می‌کنم: 1- اگر مورد ستم واقع شدی ستم مکن، 2- اگر به تو خیانت کردند، خیانت مکن، 3- اگر تکذیب کردند، خشمگین مشو، 4- اگر مدحت کنند، شاد مشو، 5- و اگر نکوهشت کنند بیتابی مکن.

4- پذیرش سخن پاک

«خُذُوا الْكَلِمَةَ الطَّيِّبَةَ مِمَّنْ قَالَهَا وَإِنْ لَمْ يَعْمَلْ بِهَا.»

سخن طیب و پاکیزه را از هر که گفت بگیرید، اگرچه او خود، بدان عمل نکند.

5- زیبایی حلم با علم

«مَاشِيْبَ شَيْءٍ يَشِيءُ أَحْسَنَ مِنْ حِلْمٍ يَعْلَمُ.»

چیزی با چیزی نیامیزد که بهتر از حلم با علم باشد.

6- کمال جامع انسانی

«الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ اتَّقَفُهُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَتَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ.»

همه کمال در سه چیز است: 1- فهم عمیق در دین، 2- صبر بر مصیبت و ناگواری، 3- و اندازه گیری خرج زندگانی.

7- سه خصلت نیکو

«ثَلَاثَةٌ مِنْ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: أَنْ تَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَكَ، وَتَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ، وَتَحْلُمَ إِذَا جُهِلَ عَلَيْكَ.»

سه چیز از مکارم دنیا و آخرت است: 1- گذشت کنی از کسی که به تو ستم کرده است، 2- بیبوندی به کسی که از تو بریده است، 3- و بردباری ورزی در وقتی که با تو به نادانی برخورد شود.

8- اصرار در دعا

«إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ إِحْرَاجَ النَّاسِ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ وَأَحَبَّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ، إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَ يُطْلَبَ مَا عِنْدَهُ.»

خدا را بد آید که مردم در خواهش از یکدیگر اصرار ورزند، ولی اصرار را در سؤال از خودش دوست دارد، همانا خداوند - که یادش بزرگ است - دوست دارد که از او سؤال شود و آنچه نزد اوست طلب گردد.

9- فضیلت عالم بر عابد

«عَالِمٌ يُتَّفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ.»

دانشمندی که از علمش استفاده شود، از هفتاد هزار عابد بهتر است.

10- دو خصلت عالم

«لَا يَكُونُ الْعَبْدُ عَالِمًا حَتَّى لَا يَكُونَ حَاسِدًا لِمَنْ قَوْقَهُ وَلَا مُحَقَّرًا لِمَنْ دُونَهُ.»

هیچ بنده ای عالم نباشد تا این که به بالا دست خود حسد نبرد و زیر دست خود را خوار نشمارد.

11- سه پاداش

«مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكَوَاتِهِ، وَ مَنْ حَسَنَتْ يَتِيئُهُ زَيْدٌ فِي رُزْقِهِ، وَ مَنْ حَسُنَ يَرْءُهُ بِأَهْلِيهِ زَيْدٌ فِي عُمْرِهِ.»

هر که زبانش راست است کردارش پاک است، و هر که خوش نیت است روزبانش فزون است، و هر که با اهلش نیکی می‌کند به عمرش افزوده شود.

12- پرهیز از کسالت

«إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالصَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ، مَنْ كَسِلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا وَ مَنْ صَجِرَ لَمْ يَصِيرْ عَلَى حَقٍّ.»

از کسالت و تنگدلی بپرهیز که این دو کلید هر بدی باشند، هر که کسالت ورزد حقی را نپردازد، و هر که تنگدل شود بر حق شکیباً تَبُود.

13- بدترین حسرت در روز قیامت

«إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَبْدٌ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ.»:

پر حسرتترین مردم در روز قیامت، بنده ای است که عدلی را وصف کند و خودش خلاف آن را عمل کند.

14- نتایج صله رحم

«صِلَةُ الْأَرْحَامِ تَرْكِي الْأَعْمَالِ وَ تَنْمِي الْأَمْوَالَ وَ تَدْفَعُ الْبَلْوَى وَ تَيْسِّرُ الْحِسَابَ وَ تُنْسِيءُ فِي الْأَجَلِ.»:

صله ارحام، اعمال را پاکیزه گرداند و اموال را بیفزاید و بلا را بگرداند و حساب را آسان کند و اجل را به تأخیر اندازد.

15- نیکو گفتاری با دیگران

«قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ.»

به مردم بگویند بهتر از آن چیزی که خواهید به شما بگویند.

16- هدیه الهی

«إِنَّ اللَّهَ يَتَعَهَّدُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ كَمَا يَتَعَهَّدُ الْغَائِبَ أَهْلُهُ بِالْهَدْيَةِ وَ يَخْمِيهِ عَنِ الدُّنْيَا كَمَا يَخْمِي الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ.»:

همانا خداوند بنده مؤمنش را با بلا مورد لطف قرار دهد، چنان که سفر کرده ای برای خانواده خود هدیه بفرستد، و او را از دنیا پرهیز دهد، چنان که طبیب مریض را پرهیز دهد.

17- راستگویی و ادای امانت

«عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَ الْإِحْتِهَادِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ انْتَمَنَكُمْ عَلَيْهَا بَرًّا كَانَ أَوْ فَاجِرًا، فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِتَمَّتَنِي عَلَى أَمَانَةٍ لَادَّبْتُهَا إِلَيْهِ.»:

بر شما باد پارسایی و کوشش و راستگویی و پرداخت امانت به کسی که شما را امین بر آن دانسته، نیک باشد یابد. و اگر قاتل علی بن ابیطالب (علیه السلام) به من امانتی سپرد، هر آینه آن را به او برخواهم گرداند.

18- تعریف غیبت و بهتان

«مِنَ الْغَيْبَةِ أَنْ تَقُولَ فِي أَحِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، وَ أَنَّ الْبُهْتَانَ أَنْ تَقُولَ فِي أَحِيكَ مَا لَيْسَ فِيهِ.»:

غیبت آن است که درباره برادرت چیزی را بگویی که خداوند بر او پوشیده و مستور داشته است. و بهتان آن است که عیبی را که در برادرت نیست به او ببندی.

19- دشنام گو، مبعوض خداست

«إِنَّ اللَّهَ يُبْعِضُ الْفَاحِشَ الْمُتَفَجِّشَ.»:

خداوند، دشنام گوی بی آبرو را دشمن دارد.

20- نشانه های تواضع

«الْتَوَاضُعُ الرِّضَا بِالْمَجْلِسِ ذُونَ شَرَفِهِ، وَ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى مَنْ لَقِيتَ وَ أَنْ تَتَرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كُنْتَ مُحِقًّا.»:

تواضع و فروتنی آن است که (آدمی) به نشستن در آنجا که فروتر از شأن اوست راضی باشد، و این که به هر کس رسیدی سلام کنی، و جدال را وانهی گرچه بر حق باشی.

21- پاکدامنی، بهترین عبادت

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ عِقَّةَ الْبَطْنِ وَ الْقَرْحَ.»:

بالاترین عبادت، عقت شکم و شهوت است.

22- نشانه شیعه واقعی

«مَا شِيعْنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَ أَطَاعَهُ.»:

شیعه ما نیست، مگر آن که تقوای الهی داشته باشد و خدا را فرمان برد.

23- ریشه گناه، نشناختن خداست

«مَا عَرَفَ اللَّهَ مِنْ عَصَاهُ.»:

خدا را نشناخته آن که نافرمانی اش کند.

24- عقل، بهترین مخلوق الهی

«لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَقِيلَ فَأَقْبَلَ. ثُمَّ قَالَ لَهُ: أُدِيرُ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ: وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَ لَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِي مَنْ أَحَبُّ، أَمَا إِنِّي إِتَاكَ أَمْرٌ وَ إِتَاكَ أَنْهَى وَ إِتَاكَ أَعَاقِبُ وَ إِتَاكَ أَثِيبُ.»:

چون خداوند، عقل را آفرید از او بازپرسی کرد، به او گفت: پیش آی! پیش آمد. گفت: بازگرد. بازگشت. فرمود: به عزت و جلالم سوگند، مخلوقی را که از تو به پیشم محبوبتر باشد نیافریدم. و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به طور کامل دادم.

همانا امر و نهی و کيفر و پاداشم متوجه توست.

25- بر اساس عقل

«إِنَّمَا يُدَاقُ اللَّهُ الْعِبَادَةَ فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ مَا أَنَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي الدُّنْيَا.»:

خداوند در روز قیامت در حساب بندگانش، به اندازه عقلی که در دنیا به آنها داده است، دقت و باریک بینی می کند.

26- مزد معلّم و متعلّم

«إِنَّ الَّذِي يُعَلِّمُ الْعِلْمَ مِنْكُمْ لَهُ أَجْرٌ مِثْلُ أَجْرِ الْمُتَعَلِّمِ وَ لَهُ الْفَضْلُ عَلَيْهِ، فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ مِنْ حَمَلَةِ الْعِلْمِ وَ عِلْمُوهُ إِخْوَانَكُمْ كَمَا عَلَّمَكُمْوهُ الْعُلَمَاءُ.»:

آن که از شما به دیگری علم آموزد مزد او به مقدار مزد دانشجوست و از او هم بیشتر. از دانشمندان دانش فراگیرید و آن را به برادران دینی خود بیاموزید، چنان که دانشمندان به شما آموختند.

27- گناه فتوا دهنده بدانش

«مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى لَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ وَ لِحَقِّهِ وَزُرُّ مَنْ عَمِلَ بِغُفْيَاهُ.»:

هر که بدون علم و هدایت به مردم فتوا دهد، فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب او را لعنت کنند و گناه آن که به فتوایش عمل کند دامنگیرش شود.

28- عالمان دوزخی

«مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيُبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ، أَوْ يُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يَصْرِفَ بِهِ وَجْهَ النَّاسِ إِلَيْهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَفْعَدَهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ الرَّئِيسَةَ لَتَصْلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا.»:

هر که علم و دانش را جوید برای آن که بر علما بیابد یا با سفها بستیزد یا مردم را متوجه خود کند، باید آتش دوزخ را جای نشستن خود گیرد؛ همانا ریاست جز برای اهلش شایسته نیست.

29- سرنگونان جهنمی

«فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «فَكَذَّبُوا فِيهَا هُمْ وَ الْغَاوُونَ» قَالَ: هُمْ قَوْمٌ وَصَفُوا عَدْلًا بِأَلْسِنَتِهِمْ ثُمَّ خَالَفُوهُ إِلَى غَيْرِهِ.»:

درباره آیه شریفه «فَكَذَّبُوا فِيهَا هُمْ وَ الْغَاوُونَ»؛ یعنی: «اینها و گمراهان در دوزخ سرنگون گردند.»، فرمود: ایشان گروهی باشند که عدالت را به زبان بستایند، اما در عمل با آن مخالفت ورزند!

30- غیر خدا را تکیهگاه نگیرید

«لَا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيَّةَ فَلَا تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ فَإِنَّ كُلَّ سَبَبٍ وَتَسَبُّبٍ وَقَرَابَةٍ وَوَلِيَّةٍ وَبِدْعَةٍ وَشُبُهَةٍ مُنْقَطِعٌ إِلَّا مَا أَثْبَتَهُ الْقُرْآنُ.»:

غیر خدا را برای خود تکیهگاه و محرم راز مگیرید که در آن صورت مؤمن نیستید، زیرا هر وسیله و پیوند و خویشی و محرم راز و هرگونه بدعت و شبهتی، نزد خدا، بریده و بی اثر است جز آنچه را که قرآن، اثبات کرده است.

[و آن ایمان و عمل صالح است.]

31- نشانه های فقیه پارسا

«إِنَّ الْعَقِيْبَةَ حَقَّ الْفَقِيْهِ الرَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا، أَلْرَّاعِبُ فِي الْآخِرَةِ أَلْمُتَمَسِكُ بِسُنَّةِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم).»:

فقیه حقیقی، زاهد در دنیا، مایل به آخرت و چنگ زنده به سنت پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) است.

32- شوخی بدون فحش

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ الْمُلَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ يَلَا رَقَتَ.»:

خدای عزوجل آن کس را که میان جمعی شوخی و خوشمزگی کند دوست دارد، در صورتی که فحشی در میان نباشد.

33- عذاب زودرس سه خصلت

«ثَلَاثٌ خِصَالٌ لَا يَمُوتُ صَاحِبُهَا أَبَدًا حَتَّى يَرَى وَ بِالْهَنْ: أَلْبَغْيُ، وَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَ الْيَمِينُ الْكَاذِبَةُ يُبَارِزُ اللَّهُ بِهَا.»:

سه خصلت است که مرتکبشان نمیرد تا وبالشان را ببندد: ستمکاری و از خویشان بریدن و قسم دروغ که نبرد با خداست.

34- مطلوب خدا

«مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ وَ يُطَلَّبَ مِمَّا عِنْدَهُ.»:

چیزی نزد خداوند عزوجل بهتر از این نیست که از او درخواست شود و از آنچه نزد اوست خواسته شود.

35- پافشاری در دعا

«وَ اللَّهُ لَا يُلِخُّ عِنْدَ مُؤْمِنٍ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي حَاجَتِهِ إِلَّا قِضَاهَا لَهُ.»:

به خدا سوگند هیچ بنده ای در دعا پافشاری و اصرار به درگاه خدای عزوجل نکند، جز این که حاجتش را برآورد.

36- دعا کردن در سحر

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ كُلَّ عَبْدٍ دَعَاءَ فَعَلَيْكُمْ بِالْدَعَاءِ فِي السَّحَرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ تُفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَ تُقَسَّمُ فِيهَا الْأَرْزَاقُ، وَ تُقْضَى فِيهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ.»:

همانا خداوند عزوجل از میان بندگان مؤمنش آن بنده ای را دوست دارد که بسیار دعا کند، پس بر شما باد دعا در هنگام سحر تا طلوع آفتاب، زیرا آن ساعتی است که درهای آسمان در آن هنگام بازگردد و روزی ها در آن تقسیم گردد و حاجت های بزرگ برآورده شود.

37- دعا برای دیگران

«أَوْشَكَ دَعْوَةً وَ أَسْرَعَ إِجَابَةً دُعَاءَ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ يَطْهَرُ الْعَيْبُ.»:

دعایی که بیشتر امید اجابت آن می رود و زودتر به اجابت میرسد، دعا برای برادر دینی است در پشت سر او.

38- چشم هایی که نمی گریند

«كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غَيْرُ ثَلَاثٍ: عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ فَاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَ عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ.»:

هر چشمی روز قیامت گریان است، جز سه چشم: 1- چشمی که در راه خدا شب را بیدار باشد، 2- چشمی که از ترس خدا گریان شود، 3- و چشمی که از محرمات الهی بسته شود.

39- حریص همچون کرم ابریشم

«مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ دُوْدَةِ الْقَرِّ، كُلَّمَا ازْدَادَتْ مِنْ الْقَرِّ عَلَى نَفْسِهَا لَقَا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ عَمًّا.»:
شخص حریص به دنیا، مانند کرم ابریشم است که هر چه بیشتر ابریشم بر خود منبجده راه بیرون شدنش دورتر و بسته‌تر
مگردد، تا این که از غم و اندوه بمیرد.

40- دو رویی و دو زبانی

«يُنْسِ الْعَبْدُ عَبْدًا يَكُونُ ذَاوَجْهَيْنِ وَ ذَالِسَاتَيْنِ، يُطْرَى أَخَاهُ شَاهِدًا وَ يَأْكُلُهُ غَائِبًا، إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ وَ إِنَابْتُلِيَ خَدْلَهُ.»:
بد بندهای است آن بندهای که دو رو و دو زبان باشد، در حضور برادرش او را ستایش کند، و در پشت سر، او را بخورد! اگر دارا
شود بر او حسد برد و اگر گرفتار شود، دست از یاری او بردارد.